

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
يا صاحب الزمان (عج) ادركني

■ سخنرانی عارف ربانی و استاد اخلاق شیخ علی اکبر تهرانی:

سخنرانی شب جمعه مورخه ۸۴/۰۷/۲۸

به روح محترم چهارده معصوم (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) همه با هم صلوات بلند بفرستید.
برای سلامتی وجود مبارک امام زمان (ع) صلوات دوم را بلند بفرستید.
به روح رهبر انقلاب و برای سلامتی رزمندگان اسلام و پیروزی اسلام صلوات سوم را بلند بفرستید.

■ دعای فرج را بخوانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ ابْنَ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِي صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ السَّاعَةِ وَلِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَاعِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عِيناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.

ان شاء الله وجود مبارک امام زمان (ع) در تمام امور همه ماها را یاری بفرمایند، صلوات بلند بفرستید.
اللهم صل على محمد و آل محمد

■ مسئله:

من بعضی از مسائل را قبل از ماه رمضان عرض کرده‌ام. یعنی در غیر ماه رمضان هم گفتم، اما خب دوباره می‌گویم، چون جوان‌ها می‌آیند. کسی عمداً سرش را در ماه مبارک رمضان، بکند زیر آب روزه‌اش باطل است، گفته‌ام یک دفعه. اما یک وقت یک کسی، یک کسی را هل می‌دهد در آب، عیب ندارد، سرش رفت زیر آب روزه‌اش باطل نیست. یا یادش نیست که روزه است، یکهو سرش را می‌کند زیر آب، اینجا اشکالی ندارد.

یکی از مسائل دیگر این است که وقتی از خواب بلند می‌شوی اگر محتلمی، جنب شده‌ای، اگر بخواهی بروی حمام غسل کنی، خب می‌بینی به سحری خوردن نمی‌رسی، اگر بخواهی سحری بخوری به غسل نمی‌رسی، اینجا باید باید حتماً تیمم بدل از غسل جنابت بکنی، بعد ان شاء الله سحری‌ات را که خوردی، بروی حمام. چون اگر این کار را نکنی، آن وقت روزه باطل است.

هر کس فهمید به روح محترم محمد (ص) و آل محمد (ص) صلوات بلند بفرستد.
اللهم صل على محمد و آل محمد

■ مقدمه:

امام صادق (ع) فرمود: بشنوید و پیروی کنید کسانی را که شما را می‌گریانند، ولی پند می‌دهند، پیروی نکنید از کسانی که شما را می‌خندانند و گول می‌زنند. لذا سعی کنیم ان شاء الله الرحمن، شما ماشاء الله همه جوانید، از راه‌های دور، نزدیک، از شهرستان‌ها تشریف می‌آورید، ثواب خیلی زیاد است، اما برای خدا بیایید.

چون انسان وقتی برای خدا بیاید، برای خدا گوش کند و برای خدا حفظ کند و برای خدا عمل کند، این را هم رسول الله (ص) می‌فرماید هم مولا علی (ع)، فقیه کامل است. برای خدا بیاید، برای خدا حفظ کند، برای خدا عمل کند، برای خدا نشر بدهد. نشرش هم نمی‌خواهد با زبان باشد. شما در راه مدرسه، در راه دبیرستان، دانشگاه، مهمانی رفتی، عروسی رفتی، فرق نمی‌کند، یک آدم متدین باش، هم خودت را امر به معروف و نهی از منکر کردی، هم داری نشر می‌دهی. اما اگر انسان خدای نخواستہ برای کارهای دیگر بیاید، برای ایرادگیری بیاید، فلان کند می‌شود مانند مگس.

یک آدم هشتاد کیلویی می‌رود حمام می‌آید خودش را شسته، تمیز، لوکس است، این مگسه می‌گردد می‌گردد، ببیند به اندازه ته سنجاق یک جایی بدن این میکروب هست بنشیند رویش و نشان بدهد. از آن طرف این آدمی که فوق ملک است، می‌شود مانند مگس، از آن طرف هم چیزی نمی‌فهمد، چون برای خدا نیامده.

ما در تمام امور وقتی که حرکت می‌کنیم، دوتا دست آماده است ما را یاری کند. یکی خداست، اگر برای خدا حرکت کنیم حتماً خدا یاری‌مان می‌کند. حتماً هم موفق می‌شویم، یکی هم شیطان است، اگر کار برای خدا نباشد، دست شیطان پشت سر ماست.

لذا امام صادق (ع) فرمود: مردم سه گروه‌اند:

۱- یک گروه دانشمندان ربانی هستند، از آن اولش برای رضای خدا رفتند، گوش کردند، حفظ کردند، یاد گرفتند، شدند دانشمندان ربانی.

۲- یک گروه هم دانشجوی راه نجات‌اند. سعی می‌کنند بروند، گوش کنند، یاد بگیرند که دور از جان جزو پشه‌ها نباشند. چون:

۳- گروه سوم را هم فرمودند حیوان، هم فرمودند مانند پشه، هم فرمودند مانند خاشاک.

پس اگر ما بخواهیم جزو گروه سوم نباشیم، حتماً در این کلاس‌ها باید شرکت کنیم. گرچه، اگر یک عده اصلاً قیامت را هم قبول نداشته باشند، بهشت و جهنم را هم قبول نداشته باشند، کسی که بخواهد انسان باشد و در دنیا در ردیف انسان‌ها زندگی کند، باید در این کلاس‌ها بیاید. این را وجود مبارک علی (ع) می‌فرماید. (به روحش صلوات بفرستید).

مولا علی (ع) می‌فرماید: اگر شما جهنم و بهشت را هم قبول ندارید، توی این دنیا باید آدم باشید.

حدود صد سال پیش آمریکا اروپا، دین را گذاشتند کنار، به عنوان تجدد، به عنوان نوآوری، به عنوان‌های مختلف، الآن در لجن و کثافتی فرورفتند که به هیچ‌وجه راه نجات ندارند. یا باید توفان (همین‌طور که دارد می‌آید مرتب.) بیاید نابودشان کند، یا زلزله، یا یک جنگ اتمی بشود و تمام بشود برود. یعنی دیگر نمی‌شود کاری‌اش کرد! چرا؟

این ده تا صفت کثیف همیشه در ما هست. یک دانه‌اش اگر در ما باشد و ما آن یک دانه را معالجه‌اش نکنیم، ما بدبختیم:

۱ - حرص است،

۲ - حسد است که حسد از همه چیز بدتر است.

۳ - بخل است،

۴ - نفاق است،

۵ - کینه است،

۶ - بغض است،

۷ - تکبر است،

۸ - غضب است،

۹ - غیبت است،

۱۰ - دروغ است،

۱۱ - خودپسندی است.

اینها همیشه در ما هست. هرکی بخواهد بگوید در من نیست، دروغ می‌گوید. ولی همین چندتا صفت کثیف نجس، اگر ما در این کلاس‌ها بیاییم، سخن‌ها را برای خدا گوش کنیم و حفظ کنیم و عمل کنیم، همین اینها سبب کمال ما می‌شود. حرص می‌آید با آن مخالفت می‌کنی، جهاد اکبر است. حسد می‌آید با آن مخالفت می‌کنی، جهاد اکبر است. همین‌طور از صبح تا شب با این ده دوازده تا صفت کثیف مخالفت می‌کنی، لذا این است که دائم داری جهاد اکبر می‌کنی.

لذا رسول گرامی محمد بن عبدالله (ص) فرمود: شما یک جوششی دارید و یک آرامشی، اگر در سنت من بود نجات یافتید و هدایت شدید، اگر در سنت من نبود هلاک و گرفتار شدید. همه‌مان یک جوششی و آرامشی در جمیع عمر داریم، این اگر در سنت رسول الله (ص) باشد ارزش دارد و گرنه دنبال هواهای نفسانی باشد، همین‌هایی است که می‌بینید از صبح تا شب توی این خیابان‌ها!

بعد وجود مبارک امام کاظم (ع) (به روح محترم همه‌شان یک صلوات بفرستید.) **یا امام صادق (ع) می‌فرماید: اساس رفتار آدمی با خویشتن برای خودسازی هفت چیز است، که انسان را به کمال می‌رساند:** (اگر انسان این هفت تا را حفظ کند و عمل کند در دو دنیا آقا است.)

۱ - **کوشش کردن در راه کارهای خوب و کوشش کردن در اینکه کارهای بد را انجام ندهیم.** همه ما از صبح تا شب داریم کوشش می‌کنیم، اما یک کوشش است برای کارهای خوب، پیشرفت دین، انسانیت، مملکت، یک کوشش‌هایی هم هست برای نکبت و بدبختی.

۲- **ترس از خدا برای پیشروی در معنویت.** انسان وقتی خدا را بالای سر خودش دید... من بارها مثل زده‌ام، گفتم که وقتی امتحان شروع می‌شود، یا به اصطلاح کنکور شروع می‌شود، هرچه شروع می‌شود، آن کسی که می‌خواهد تقلب بکند، صدای پای معلم را که می‌شنود، دست از تقلب برمی‌دارد. وقتی که ما خدا را در تمام امور بالای سرمان ببینیم، دیگر خطا نمی‌کنیم. البته اینجا که می‌گویند ترس از خدا، انسان از خدا که نباید بترسد، خدایی که خالق تمام آقای‌هاست، خدا که خالق تمام خوبی‌هاست، اگر پدر و مادر به فرزند این قدر محبت دارند قطره‌ای است از دریا. خودش می‌فرماید: آن محبتی که پدر و مادر به بچه‌ها دارند قطره‌ای است از دریا، کل محبت نزد من است.

اینجا که می‌فرماید ترس از خدا، آنجا که می‌خواهی از دیگری بترسی، از خدا بترس. از وزیرت می‌خواهی بترسی؟ نترس از خدا بترس، از معلم می‌خواهی بترسی، نه! از خدا بترس. امشب مهمان داری از مهمان می‌خواهی بترسی خلاف کنی، نه از خدا بترس. زن به خاطر شوهر می‌خواهد خلاف کند، نه، از خدا بترسد. مرد به خاطر زن یا بچه می‌خواهد خلاف کند بترسد، از خدا بترسد. آنجا که می‌گویند: ترس از خدا، می‌گویم خدایی که خالق همه آقای‌هاست ترس ندارد که!

۳- سوم چیزی که ماها را به کمال می‌رساند، **تحمل آزار مردم است**، یعنی وقتی که یک کسی اذیتت کرد، زود دنبال تلافی نگرد. هیچ‌چیز در زندگی برای ما بهتر از آرامش نیست. آقای می‌خواهی، بزرگی می‌خواهی، شخصیت می‌خواهی، عزت می‌خواهی، هرچه می‌خواهی در آرامش است. حواله‌اش را بکن به خدا. در قرآن هم آیه داریم، شما اگر بخواهی انتقام بگیری، خراب می‌کنی، اما واگذار کنید به من، من خوب انتقام می‌گیرم. از آن‌ور گذشت کردی، خدا بزرگت می‌کند، از آن‌ور چون واگذار به خدا کردی خدا خوب عذابش می‌کند، تحمل آزار مردم. اگر بخواهی پیشروی بکنی، آدم بشوی، به مقام برسی، باید بین این مردم باشی دیگر، از مردم هم آزار می‌رسد.

۴- چهارم چیزی که سبب کمال ما می‌شود، **سختی کشیدن برای رسیدن به هدف**، هدف‌های خوب! نمی‌شود! مگر کسی می‌تواند که بخواهد باسواد بشود، ولی درس نخواند؟ بخواهد مخترع بشود، زحمت نکشد؟! من بارها گفته‌ام یک تکه آهن زنگ‌زده توی جوی افتاده، به درد هیچ چیزی نمی‌خورد، این آهن زنگ‌زده اگر بخواهد بیاید به درد کف پای الاغ بخورد، این آهن باید برود توی کوره، سرخ بشود، چکش کاری بشود، تا کمال پیدا کند و به درد کف پای الاغ بخورد، نعل بشود. مقام بیشتر می‌خواهی؟ باید بیشتر رویش کار بکنی، تا بشود مثلاً تیغه چاقو، گل کمر. انسان نمی‌شود که بخواهد سختی نکشد، ناراحتی نکشد، به کمال برسد! نمی‌شود! باید در راه انسانیت، در راه درس، در راه هرچیزی حرکت کرد.

۵- **به دنبال راستی و اخلاص رفتن**، جوان‌های عزیز، پیرهای عزیز، آنهایی که بعداً نوارها را گوش می‌کنید، بدانید که با دروغ و کلک و مکر و حيله هیچ‌کس به جایی نمی‌رسد. درست مثل کرم ابریشمی می‌ماند که این هرچه

بیشتر دور خودش را ابریشم می‌بافد، راه بیرون آمدن خودش را تنگ می‌کند و همان داخل خفه می‌شود. با دوز و کلک و دورویی هیچ کس به جایی نرسیده! لذا باید سعی کرد. این هم یک چیزی نیست که...

چند چیز است که به راحتی به دست نمی‌آید. به شما بگویم! یکی اش همین که ما اخلاص می‌خواهیم. یکی که ما اراده قوی می‌خواهیم. یکی اینکه ما می‌خواهیم آدم خوبی باشیم. اینها را باید در خانه خدا را بزنی، شبی ده دقیقه یک گوشه بنشین، پنجاهتا صلوات برای سلامتی حضرت صاحب (عج) بفرستی، صدتا صلوات به روح چهارده معصوم (ع) بفرستی، بعد خدا را به این بزرگوارها قسم بدهی: خدا، به من نیرو بده، من را بر نفسم مسلط کن، خدا به من اراده قوی بده. تا انسان اراده قوی نداشته باشد، به هیچ جا نمی‌رسد. اراده قوی! امام‌زمان (عج) یاری‌مان کن، دائم در خانه خدا را بزیند.

جوان‌ها به شما بگویم، اینهایی که در خانه خدا را نزدند و نمی‌زنند، خیلی بیشتر از من و شما در خانه دیگران را می‌زنند! به شما بگویم! اگر با کسانی رفیقید، پسرخاله، پسرعمه، دوست، رفیق، می‌گوید: ول کن بابا داش بازی درمی‌آورد، ارتباطت را با او قطع کن! یکبار دوبار نصیحتش کن، بار سوم رابطه را قطع کن. تمام اینهایی که در داش بازی هستند دو سال دیگر، سه سال دیگر گرفتار قانون می‌شوند. بین الان تلویزیون را نگاه بکن، رویش نمی‌شود به دوربین نگاه بکنند، سرش را می‌اندازد پایین گریه می‌کند، می‌گوید گول خوردم، اشتباه کردم و و... اما اگر انسان برای خدا سجده کند، در خانه خدا بیاید، همه از او می‌ترسند.

خود خدا می‌فرماید: اگر از من ترسیدی همه از تو می‌ترسند. اگر از من نترسیدی از همه می‌ترسی.

لذا نه! راستی و اخلاص و یقین، اینها به این راحتی‌ها به دست نمی‌آید. دائم شبی ده دقیقه یک ربع در خانه خدا و امام زمان (عج) را بزیند. نمی‌دانی شما چقدر لذت‌بخش است!

بین همین که من بارها تکرار کرده‌ام و می‌کنم، نماز صبحت را که خواندی، ساعت را نگاه کن، تکرار می‌کنم، پنج دقیقه طول می‌کشد:

- سی و چهاربار "الله اکبر" سی و سه بار "الحمد لله" سی و سه بار "سبحان الله" بگو.
- دوازده تا سوره "قل هو الله احد" بخوان دور خودت فوت کن،
- هفت بار بگو "بسم الله الرحمن الرحيم لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظيم".
- یک چهار قل هم بخوان "قل هو الله احد"، "قل اعوذ برب الناس"، "قل اعوذ برب الفلق"، "قل یا ایها

الکافرون"، پنج دقیقه طول می‌کشد. اما نمی‌دانی این چه اثر خوبی در زندگی‌ات دارد، نمی‌دانی!

از صبح تا شب چقدر نکبت‌ها را از جلوی پایتان برمی‌دارد، چقدر دشمن را از شما دور می‌کند. چقدر ذلت‌هایی که باید برایش گریه کنید، پول خرج کنید از جلوی پایتان برمی‌دارد. لذا "الا بذكر الله تطمئن القلوب". کسانی که آمدند در خانه خدا دوسره می‌برند، هم در دنیا آرامش و آقایی و بزرگی دارند، یک‌هزارم بلاهای مردم را ندارند، هم آن طرف آقا هستند. اینهایی که می‌گویند ولش کن بابا، این حرف‌ها خرافات است! همچین همچون می‌کند! جان شما دو سه سال که می‌گذرد، یک آدم ذلیل و بدبخت و دربه‌در می‌شود! خیلی بیشتر از شما هم التماس می‌کند.

الان من دو سه ساعت پیش داشتم تلویزیون نگاه می کردم، آن خانمه داشت سوال می کرد از یک زنی که داشت گریه می کرد، چه شده شوهر شما مرده؟ گفت: کاش می مرد! من سه تا بچه دارم، آن هم به وسیله مواد مخدر گرفته اندش، حبس ابد است. من با سه تا بچه چه کار بکنم؟ نه پدر پولداری دارم، نه داداش پولداری دارم. خودم هم می روم صبح تا شب کار می کنم، به هیچ جایی هم نمی رسم. خانم بزرگوار، مگر می شود یک دفعه شوهر تو قاچاق فروش بشود؟ الان بروید دادگستری، من از قول این گزارش های مملکتی از تلویزیون می گویم. می گوید هشتاد درصد طلاق هایی که هر سال نسبت به سال پیش ده درصد، بیست درصد زیاد می شود، هشتاد درصد به خاطر اعتیاد است. معتاد! مگر آن روز که این آقا معتاد شد، خانم تو نمی دانستی؟ چرا! این سیگار که آمد به لب هر کس هر مرضی همراهش است. من نمی گویم علم روز می گوید. می گفت دوهزار سم در این توتون هاست، صدویست نوع مرض شناخته شده. خب خانم از همان روز با شوهرت مخالفت کن، وقتی جلوی سیگار را گرفتی، به تریاک نمی کشد، به حشیش نمی کشد. چهار روز می خواهید خوش باشید، یک عمری باید ذلت بکشید.

لذا به دنبال راستی و اخلاص رفتن، آن جوانی که معتاد است، به زنش دروغ می گوید، به بچه اش دروغ می گوید، این دیگر به او می شود گفت انسان؟ زنه می گفت ای کاش می مرد!

۶- نفس را از خواسته ها بازداشتن. نفس همین دلت است. هرچه دلت می خواهد دنبال آن نرو. از صبح تا شب چشم هرچه ببیند می خواهد، گوش هرچه بشنود می خواهد. دل هرچه ببیند می خواهد. نفس این است. یعنی دنبال خواسته ها نرو، با خواسته های بجنگ. نجنگی یک روز بیچاره ای! با نفس اماره جنگیدن.

همین که گفتم شبی ده دقیقه یک گوشه بنشین، یک صدتا صلوات خدمت چهارده معصوم (ع) هدیه کن، یک پنجاهتا برای سلامتی حضرت (عج) هدیه کن. قسمش بده امام زمان (عج) را، بگو: جان مادرت فاطمه، من را بر نفسم، من را بر شهوت، مرا بر شیطان مسلط کن. از بلاهای اجتماعی من را حفظ کن، نجات بده. والله امام زمان (عج) بعد از خدا از هر کس به ما نزدیک تر است. اینهایی که می ترسند اسم امام زمان (عج) را بیاورند، بس که نکبت اند، خرابکاری کردند، دروغ می گویند، خودشان را به اسلام می بندند، ولی عمل اسلامی ندارند. فکر می کند حالا اسم امام زمان (عج) را نبرد راحت است! نه بابا!

وجود مبارک مهدی آل محمد (ص) می فرماید: ما بر تمام اوضاع شما احاطه داریم. هیچ چیز از شما بر ما پوشیده نیست، هیچ چیز هم ما از شما کم نمی گذاریم. ببینید چه چیزی شماها را از من امام زمان (عج) دور می کند، آنها را از خودتان بیرون کنید. ببینید چه چیزی شما را به من امام زمان (عج) نزدیک می کند، آنها را در خودتان جا بدهید. لذا حضرت صاحب (عج) هست. توی ماست، قاطی ماست. منتها مردم چون که خودشان باور ندارند، قبول ندارند، هی سختش می کنند! یک جوری می کنند که طرف می ترسد اسم امام زمان (عج) را بیاورد! نه بابا، تو دروغ می گویی! نفس را از خواسته ها بازداشتن.

۷- خود را با تهی دستی و نداری سازش دادن. چهار روزی انسان وضع مادی اش خوب است، در امتحان است. چهار روزی وضع مادی اش به اصطلاح بد است. چهار روزی مریض است، چهار روزی سلامت است. در تمام این حالات در آزمایش است.

وجود مبارک مولا علی (ع) می فرماید: یک چند روزی دنیا به کامت می چرخد، تو در آزمایشی. چند روزی هم دنیا به کامت نمی چرخد آن را هم در آزمایشی. مواظب باش زمین نخوری. این مال مولا علی (ع).

قرآن شریف هم در سوره عنکبوت آیه ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ می فرماید: به صرف اینکه شما گفتید ما مسلمانیم، ایمان آوردیم، ما شما را رها نمی کنیم. ما شما را امتحان می کنیم. قبل از شما را هم ما آزمودیم. با پول امتحانت می کند، با ریاست امتحانت می کند، با نداری امتحانت می کند.

اینکه می بینی تا چهار روز ندارد، گریه می کند، آبرویش را پیش دوستان می ریزد، دست به دزدی می زند، دست به خلاف می زند، به خاطر اینکه این اخلاقیات را ندارد. خود را با تهی دستی و نداری سازش دادن.

بعد می فرماید: پرهیزکاری کن، ولو به کمترین درجه باشد. سعی کن این پرهیزکاری، از خلاف دور بودن را در خودت عادت بدهی. میان خود و خدا پرده ای بیفکن، ولو اینکه خیلی نازک باشد. گفتم اینهایی که می گویند ول کن بابا این حرف ها چیه؟ خرافات است! چهار روز دیگر در مقابل هرکس و ناکس گریه می کند. آبرویش می رود، آبروی خانوادگی اش می رود، زمین می خورد، بدبخت می شود، ذلیل می شود. پرهیزکاری کن ولو به کمترین درجه باشد، میان خود و خدا پرده ای بیفکن، ولو اینکه نازک باشد.

چرا؟ چه بسیار فرق است میان کاری که لذتش برود و گرفتاری هایش بماند.

من چندی پیش داشتم از تلویزیون نگاه می کردم، یک جوانی پشتش به دوربین بود، داشت می گفت مثلاً من از سن هیجده سالگی افتادم توی این کار، فلان، بیسار! حالا که حالش خوب شده بود و نجات پیدا کرده بود، طرف به او گفت: حالا چه آرزویی داری؟ گفت: یکی اینکه بمیرم، چون دیگر ارزش ندارم. یا اینکه اگر زنده هستم، بتوانم جبران کنم.

می فرماید: چه فرق است میان کاری که لذتش بگذرد، پنج دقیقه می خواهی با رفیقت خوش باشی، دو دقیقه می خواهی آزمایش کنی، از این حرف های بچگانه بکنی، یک عمری ذلت همراهش است. چه فرق است میان کاری که لذتش بگذرد و گرفتاری اش بماند و کاری که رنجش بگذرد و لذتش بماند.

اینهایی که می آیند توی این کلاس ها، می نشینند، گوش می کنند، خوب درس می خوانند، خوب کار می کنند، بعد به سن بیست و پنج شش سالگی که می رسند، یواش یواش خانه، زندگی، زن و فرزند دارند. زحمت کشیده اند، ولی حالا، از

حالا دائم دارند لذتش را می‌برند. بعد تصادفاً برخورد می‌کنند دو سال دیگر، ده سال دیگر، با رفیقی که من باب‌مثل اهل دود و گرد و فلان بود، توی خودش چقدر خوشحالی می‌کند. چقدر خوب شد که من با این نگشتم. چقدر خوب شد که من با این نبودم!

لذا جوان‌های عزیز، آنهایی که بعد نوارها را گوش می‌کنید، آنهایی که اینجا هستید، برای خدا بیایید، برای خدا گوش کنید، برای خدا حفظ کنید، برای خدا به کار بیندید. آن وقت شما فقیه کامل هستید.

حالا قرآن، وقتی من می‌گویم قرآن دیگر خدا دارد حرف می‌زند. وقتی می‌گویم قرآن... چون می‌خواهی خدا با شما حرف بزند قرآن بخوان. وقتی می‌خواهی شما با خدا حرف بزنی نماز بخوان.

سوره یونس آیه ۶۲- بدانید که دوستان خدا را نیست ترسی بر ایشان در قیامت و نه ایشان غمگین می‌شوند. می‌گویند کسانی که دوست خدا هستند، نه در دنیا غم و اندوه دارند و نه در عقبا. بدانید، خدا دارد می‌گوید.

آیه ۶۳- آن کسانی که ایمان آوردند و پرهیزکار بودند.

همین‌طور دروغی یک اسم اسلام به خودت ببندی، هر کار دلت خواست بکنی، این نیست!

آیه جلویی فرمود:

تکرار آیه ۶۲- بدانید کسانی که دوست خدا هستند عملاً، در دو دنیا ترس ندارند.

آیه بعدی:

تکرار سوره یونس آیه ۶۳- آن کسانی که ایمان آوردند و پرهیزکارند.

یعنی "اول العلم معرفت الجبار آخر العلم تفویض امر الیه". نمی‌گوید خدا بعد هر کاری دلش خواست بکند.

آیه ۶۴- از برای ایشان که مومن هستند مژده خوشی است، هم در زندگانی دنیا و هم در آخرت. می‌گوید کسانی که این‌طور باشند، بیایند، بنشینند، گوش کنند، یاد بگیرند و عمل کنند، هم در دنیا زندگی خوبی دارند، هم در آخرت.

راوی گوید از رسول خدا (ص) پرسیدم: بشارت دنیا چیست برای مومن؟ فرمود: خواب خوبی که مسلمانی برایش می‌بیند، یا خواب خوبی که خودش می‌بیند، اینها مژده است. یا در گرفتاری‌هایی که مردم هستند نیست. می‌بیند که مثلاً او توی شراب این‌طور شد، آن توی قمار آن‌طور شد. آن توی تصادف آن‌طور شد، این می‌بیند نه بحمدالله خودش سالم است، بچه‌اش سالم است، زندگی‌اش سالم است، اینها بشارت است. اینها بهترین بشارت است برای انسان.

ادامه آیه ۶۴- نیست تبدیلی برای کلمات خدا، این است رستگاری بزرگ.

می گوید اگر می خواهی فکر کنی که حالا ما این کارها را می کنیم، یک طوری می شود یا خدا می بخشد، نه! مگر که توبه کنی!

آیه در قرآن داریم می فرماید: اینکه طرف می رسد به تو می گوید خدا کریم است، یا خودت می گویی خدا کریم است، این هم دارد شیطان به تو می گوید. می گوید این کلمه خدا کریم است را هم شیطان به تو می گوید. کرم من این است که به تو عقل دادم، درک دادم، معرفت دادم، قدرت خوب و بدشناسی را به تو دادم، همه چیز به تو دادم، یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر (ع) را هم فرستاده ام، به تو هم گفتم این کار خوب است، این کار بد است، این کرم من است. اینکه می گوید خدا کریم است، نه! کرم خدا همین است که دارد به ما می گوید. می گوید این هم خودش شیطان است.

حالا که ما اینجا رسیدیم من به شما بگویم ان شاء الله از شنبه تا پنجشنبه سه تا شب قدر داریم، به شما بگویم. من چند هفته مرتب به شما گفته ام که ماه مبارک رمضان اگر بر کسی بگذرد و این آمرزیده نشود، این شخص شقی ترین و بدترین مردم روی زمین است! چرا؟

این ماه ماهی است که نفس هایت را هر یک دانه اش را یک سبحان الله برایت می نویسند.

این ماه ماهی است که اگر خوابی خوابت را عبادت می نویسند.

این ماه ماهی است که عمل واجبی که انجام می دهی، هفتاد برابر زمان های دیگر برایت می نویسند.

در این ماه یک دانه آیه قرآن می خوانی یک ختم قرآن برایت می نویسند، همین امشب این آیه ای که این آقا درس داد، این یک آیه بود، اما دوبار خوانده شد، حدود سیصد چهارصد نفر کم و زیاد دوبار خواندند، چهارصد ضرب در دو می شود هشتصد، هشتصد ختم قرآن پایتان نوشتند. این ماه این قدر بزرگ است.

بعد می رسد به شب های قدر. شب های قدر را نخواب. جلوترش یک دو ساعت بخواب بعد بیدار باش. دو رکعت نماز این شب های قدر دارد، حتماً بخوانید. می فرماید کسی که این دو رکعت نماز را در شب های قدر بخواند، شب نوزدهم، شب بیست و یکم که ان شاء الله خودمان اینجا هستیم، یادتان نرود دوشنبه شب، که همین جا دست جمعی با هم می خوانیم. شب نوزدهم شب بیست و یکم و شب بیست و سوم. اینها شب های قدر است. هر یک شبش کسانی که تا صبح بیدار باشند، مشغول این کارهای خوب باشند، ثواب هزار ماه عبادت قبول شده پایشان می نویسند. حدود هشتاد و سه سال و چند ماه. یعنی هر یک شبی که شما بیدارید، کار خوب انجام می دهید، ثواب هشتاد و سه سال و چند ماه پایت می نویسند. آن هم عبادت قبول شده.

سه شب است، سه شب سه تا هشتاد سال، دویست و چهل سال. حدود دویست و پنجاه سال کم و زیاد، ثواب عبادت قبول شده که روزها داشتی روزه می گرفتی و شبها تا صبح بیدار بودی نماز می خواندی برایت می نویسند. این شبها این قدر ارزش دارد.

دو رکعت نماز شب لیلۃ القدر، نماز شب قدر، مثل نماز صبح دو رکعت است، منتها نیتش آن است. "و لا الضالین" را که گفتی هفت بار سوره "قل هو الله احد" را می خوانی. بعد می روی رکوع، می روی سجده، بلند می شوی، دوباره رکعت دوم هم همین طور. سوره حمد را تا "و لا الضالین" می خوانی، بعد سوره "قل هو الله" را هفت بار می خوانی. بعد قنوت می گیری، رکوع می روی، سجده می روی، می نشینی تشهد و سلام می گویی، بعد پشت سرش هنوز از جای بلند نشده ای، سی و چهار بار "الله اکبر"، سی و سه بار "الحمد لله"، سی و سه بار "سبحان الله" می گویی، بعد هفتاد بار هم بگو "استغفر الله و اتوب الیه". "استغفر الله و اتوب الیه". می فرماید هنوز از جای بلند نشدی، خودت و پدر و مادرت را آمرزیده ام. این شبها این قدر ارزش دارد. پس این کارها را ان شاء الله بکنید. وقتی که انسان پاک باشد دعایش مستجاب می شود، پاک باشد، نورانی می شود. خلاصه مطالب زندگی خوش دو دنیا در پاکی است.

لذا پس ان شاء الله حواستان جمع باشد، خدا می فرماید که اگر تو فکر می کنی با این حرفهایی که می زنند، خدا کریم است، کار تو درست می شود، نه! مگر اینکه توبه کنی.

آیه ۶۵- و محزون نکند تو را سخن کفار و گفتار کافران در تکذیب خدا و نبوت.

ببین! فکر نکن امروز است که مردم در راه شما می آیند که ای بابا، در این جلسه نرو، این نوار را گوش نکن، این امروز نیست! از اول خلقت بشر بوده. قابیل داداشش را کشت، خوب این دوتا هردو پسر پیغمبرند. قابیل داداشش را کشت، به خاطر اینکه می خواهد حرف خدا و پدرش و پیغمبر زمانش را گوش نکند.

اینجا هم خدا دارد به رسول الله (ص) می فرماید، **ادامه آیه ۶۵:** و محزون نکند تو را سخن کفار و گفتار کافران تکذیب خدا و نبوت تو را. می گوید بله، می آیند به تو می گویند دروغ می گویی اینها همه اش سحر است، اینها همه اش جادوست. تو را اندوهگین ننماید، چون همه عزت از برای خداست، خدا عزت به دوستان خود می دهد. اوست شنونده مهربان.

می گوید کاری نمی توانند بکنند. من خدا هستم، قانون گذاشتم، هرکس قانونم را رفتار کند در دنیا عزیز و بزرگ و آرایش می کنم و در آخرت هم مهمان من است. حالا اینها هرچه می خواهند بگویند، بگویند. لذا اینهایی که در راهتان می آیند در هر تیپ و مقامی هستند ولش کن. ببین بابا، من نمی گویم رسول گرامی محمد بن عبدالله (ص) فرمود:

رسول الله (ص) آن روز فرمود: از کافر نمی ترسم چون کفرش نابودش می کند. از مومن هم نمی ترسم چون مومن را دینش حفظش می کند. اما ترس من از منافق است که خودش را به اسلام و دین قرآن می بندد و علیه اسلام و قرآن کار می کند، بین مردم اختلاف می اندازد.

می فرماید من از مومن نمی ترسم، مومن دینش حفظش می کند. از کفار هم نمی ترسم، کفار هم کفرشان نابودشان می کند. از منافق که خودش را می آید به اسلام می بندد، می گوید اسلام و شمشیر می کند اسلام را و توی مغزت

می‌زند. می‌گوید اسلام اسلام را سپر می‌کند جلوی خودش نگه می‌دارد. اینها هستند که همیشه در هر زمان سبب اذیت مردم بودند و خواهند بود.

بین همین الان من می‌خوانم گوش کن، بین سوره جلویی می‌فرماید: محزونت نکند کفار هرکاری که می‌کنند.

همان سوره یونس آیه ۷۲- نوح به قوم خود گفت: اگر رو بگردانید شما از پند من برای آنکه مبادا از شما چیزی بخواهم، من مزدی از شما نخواهم که بر شما سنگین شود. و موجب بشود که از من روی بگردانید. نیست مزد رسالت من مگر بر خدا. من برای خدا کار می‌کنم. و من خودم هم مأمورم که تسلیم خدا بشوم. چون پیغمبری که می‌آید می‌گوید این کار را بکن آن کار را نکن، خودش باید جلوتر از همه تسلیم باشد.

یعنی می‌خواهم به شما بگویم همیشه در هر زمان بودند کسانی که خودشان را به اسلام می‌بستند، به این حرف‌ها، به قرآن، ولیکن سبب اذیت و دوئیت بودند. مخصوصاً امروز! مخصوصاً امروز که آمریکا و اسرائیل و انگلیس همه توانشان را با سیاست‌هایشان را با دلارهایشان را گذاشته‌اند که بین ماها اختلاف بیندازند.

لذا اسلام همین‌هاست که این حقیر دارم می‌گویم، آیه قرآن و حدیث از کتاب‌های معتبر. جز این هرکس هرچه بگوید خرافات گو است، خرافات می‌گوید. هرکس می‌خواهد باشد. اسلام اینهاست. اگر هم با اینها مخالف است، بدان که ضد مملکت است، ضد ولایت فقیه است، ضد انسانیت است، ضد قرآن است، ضد همه چیز است. تکرار می‌کنم، اسلام اینهاست: قرآن، سنت رسول الله (ص).

در آن آیه می‌فرماید به رسول الله محزون نشو، مردم می‌آیند کفار علیه تو حرف می‌زنند، ناراحت نشو.

اینجا هم دارد خدا به رسول الله (ص) می‌فرماید:

تکرار آیه ۷۲- نوح به قوم خود گفت اگر رو بگردانید شما از پند من برای آنکه مبادا من از شما مزد بخواهم، من از شما مزد نمی‌خواهم. مزد من دست خداست. نیست مزد من مگر بر خدا و من خودم هم مأمورم که در دین تسلیم باشم. در زمان همه پیغمبرها این طور بوده! تمام پیغمبرها!

آیه ۷۳- تکذیب کردند قوم نوح را.

جوان عزیز، برادر من، آنکه بعداً نوارها را گوش می‌کنی، من به شما برادر عزیز که بین مردم اختلاف می‌اندازی، به شما هم می‌گویم، برادر توبه کن، ماه رمضان است. در هر قومی هستی، در هر تپیی هستی، در هر مقامی هستی، در هر لباسی هستی توبه کن، آبرویت می‌ریزد. مگر نمی‌بینی؟ پانزده روز پیش‌تر پاکستان شش دقیقه لرزیده...

من آن هفته گفتم که اینها دروغ می‌گویند اکثراً، دویست هزار کشته دارند، پانصد هزار زخمی، چهار میلیون بی‌خانمان. والله سه‌شنبه شب، ساعت دوازده من اخبار گوش می‌کردم داشت همین را می‌گفت. می‌گفت دویست هزار کشته فقط

دوتا از شهرهای کشمیر که در پاکستان است، می‌گفت یکی‌اش پنجاه و چهار هزار و پانصدتا کشته، یک‌قلم مرده‌اند، یکی‌اش بیست و هفت هشت هزارتا. بعد از پانزده روز هنوز جاهایی هست که دسترسی نیست به آنها که بروند جلو بتوانند به آنها غذا بدهند، همان‌طور در گرسنگی مرده‌اند. مگر نمی‌بینید؟ خجالت بکشید! کسانی که خودتان را به اسلام می‌بندید، به رهبر می‌بندید، به این‌ور و آن‌ور می‌بندید، بین مردم اختلاف می‌اندازید، من آن هفته هم گفته‌ام تو از بمب‌گذارها هم خائن‌تری.

و به شما هم می‌گویم، هرکس در هر مقامی به شما ایراد گرفت، قرص بگو عیبش کجاست؟ مگر تو دینت چیه؟ می‌گوید اسلام! بگو خوب این قرآن، آن هم سنت. آقا اینجا را امضا کن یا نروی آن جلسه یا همچین بگو! بگو من هم می‌روم از دست تو (شجاع باش) شکایت می‌کنم که بینم تو با چه تپیی هستی؟ کی هستی تو؟ با کدام کشورهای خارجی داری تو در ایران خیانت می‌کنی؟ شجاع باشید! این جقور بقورها را بریزید دور!

لذا خدا پشت آن کسانی است که شجاع باشند. می‌فرماید: به نوح (ع) هم گفتم، به همه پیغمبرها گفتم. این هم جلوتر رسول‌الله (ص) می‌فرماید: من از مومن نمی‌ترسم مومن دینش حفظش می‌کند. از کافر هم نمی‌ترسم کافر هم کفرش نابودش می‌کند، ترس من از منافق است، منافق است که بین مردم همیشه اختلاف انداخته.

تکرار و ادامه آیه ۷۳- تکذیب کردند قوم نوح را و نجات دادیم ما او را و هر که با او بود در کشتی و گرداندیم نوح و متابعان او را که در کشتی بودند، جانشینان دیگران.

مگر نمی‌بینی صدام به چه روزگاری افتاده؟ دیروز داشت نشان می‌داد آوردنش سر صندلی بنشانندش برای محاکمه، من دیدم که مرده است. یک کسی گفت که چرا اعدامش نمی‌کنند؟ گفتم: این هرروز چندبار خودش دارد اعدام می‌شود. روزی چندبار! همین که می‌گویند فلان روز محاکمه است، خوب این یک آدم متکبری که حرف هیچ‌کس را گوش نمی‌کرد حالا، اصلاً مرده آوردندش روی صندلی نشانندش. مگر ندیدید محمدرضا شاه به چه بدبختی رفت، مگر نمی‌بینید رضا شاه به چه بدبختی رفت؟ قرآن می‌فرماید بابا عزت دست ماست ما پدرتان را درمی‌آوریم. منتها می‌بینی بعضی‌ها یک جاهایی می‌توانند با منافق‌بازی جلو بروند، به خاطر اینکه تو ریقو هستی. تو دینت قلابی است! لذا مگر مومنین مرده‌اند که بشینند هر ننه‌قمری بخواهد با قرآن بجنگد؟ پدرشان را درمی‌آوریم! لذا می‌فرماید با همه جنگیدند.

در سوره حشر یک آیه است:

سوره حشر آیه ۲۱- اگر ما فروفرستیم قرآن را بر کوه، می‌دیدي کوه را ترسیده، شکافته شده، از هم پاشیده شده، روی زمین می‌ریزد از ترس. ما این مثل‌ها را می‌زنیم شاید شما یک تکان بخورید. نباید قلب انسان از سنگ هم بدتر باشد.

کسانی که توی این پست‌های دولتی به وسیله پول و دلار جا زدید، دارید خرابکاری می‌کنید، بدانید در این مملکت هر که بخواهد خلاف قرآن و سنت کار بکند، خدا ذلیل و بیچاره‌اش می‌کند. توبه کنید، ماه رمضان است. توبه کنید! ما به عنوان یک پدر دلسوز به شما می‌گوییم.

بعد خدا می‌فرماید **دنباله آیه ۷۳** - نظر کن ببین چگونه بود عاقبت بیم‌کنندگان که آنها اثر نکرد برایشان هلاک شدند. هلاک همین است برادر، توی خانه‌هایشان همه نشسته بودند ساختمان بیست طبقه، ده طبقه، پنج طبقه، مثل شما تلویزیون همه چیز داشتند. الآن هیچ چیز ندارند. حتی جای خوابیدن ندارند. الآن این زلزله‌زده‌های پاکستان جای خوابیدن ندارند. چرا؟ این الدرم بلد‌های دولتی‌های احمق اکثراً برای ملت‌هایشان است. الآن در این پانزده روز نتوانسته‌اند دو کامیون خاک بردارند، جا باز کنند که این ملت بتوانند لااقل شب آنجا بخوابند. آنجا که خانه‌شان بوده خراب شده نمی‌تواند آنجا بخوابد. خاک‌هایش را بردارند می‌توانند جایش بخوابند. جای آن را هم ندارند. خدا این‌طوری می‌کند، پدر درمی‌آورد.

سوره یونس آیه ۷۴ - و برانگیختیم ما بعد از نوح رسولانی چند به سوی قوم خودشان و آمدند رسولان ما امتان خود را با معجزه‌ها. پیغمبرها را فرستادیم با معجزه و ایمان نیاوردند و آنچه که تکذیب می‌کردند. می‌گویند ما پیغمبرها را با معجزه می‌فرستادیم، ولی اینها قبول نمی‌کردند، مثل همین امروز. مثل همین امروز! تکذیب می‌کردند. ایمان نیاوردند به آنچه که تکذیب می‌کردند، چون قابل رستگاری نیستند. چون چنین‌اند، مهر می‌زنیم بر دل‌های تعدی‌کنندگان که نشانه شناختن ملائکه باشد، که ملائکه هم اینها را دائم لعنت می‌کنند.

چون از این دنیای ما به آن‌ور مردم به دو گروه‌اند: یک عده روی گروهشان رحمت خدا نوشته، یک عده روی پیشانی‌شان لعنت نوشته. مه‌ری که قرآن می‌گوید می‌زنیم این است. از آن‌ور ملائکه دائم اینها را لعنت می‌کنند، از آن‌ور بلاهاشان را جلوگیری نمی‌کنند. از آن‌ور راه هدایت دیگر برایشان نیست. چون خود قرآن می‌فرماید: آنکه را ما هدایت کردیم کی می‌تواند گمراهش کند؟ آنهايي را که ما رهايشان کردیم کی می‌تواند درستشان کند؟ ما هرچه می‌گوییم از قرآن می‌گوییم. لذا می‌فرماید بله کردیم ما.

آیه ۷۵ - و برانگیختیم ما بعد از آن پیغمبر موسی و هارون را به سوی فرعون و اشراف او با معجزات. دوتا معجزه موسی (ع) داشت، خیلی عالی بود. یکی اینکه شب تاریک، دستش را از جیبش یا از زیر بغلش که در می‌آورد، همه بیابان روشن می‌شد. دیگر از این معجزه بزرگ‌تر می‌خواهی؟ یکی اینکه عصایش حدوداً ده سانت کلفتی‌اش بود، حدود هفت متر هم طولش بود. چون موسی (ع) خودش حدوداً سی و پنج شش متر قدش بود. یک عصای چوبی دستش بود، ول می‌کرد می‌شد اژدها. هرچیزی را می‌بلعید. بعد هم دوباره برش می‌داشت، همان چوب می‌شد. دیگر از این معجزه بزرگ‌تر می‌خواهی؟ می‌گوید:

تکرار و ادامه آیه ۷۵- فرستادیم با معجزه‌ها ولی سرکشی کردند آنها، برانگیختیم ما به سوی فرعون و اشراف او با معجزات، پس سرکشی کردند آنها و قومی که گنهکار بودند. خدا دارد صحبت می‌کند ها! ولی همه نابود شدند جز لعنت چیزی ندارند.

همان سوره یونس آیه ۷۶- چون آمد ایشان را سخن راست از جانب ما، گفتند که البته ما سخن حق را سحر آشکار می‌دانیم. اینها دروغ است! اینها جادوگرند!

بین برادرها، جوان‌های عزیز، پیرهای عزیز، آنهایی که بعداً نوارها را گوش می‌کنید. الان کسانی هستند که جاهای دیگر به وسیله دیگر دارند گوش می‌کنند. همیشه بودند، همیشه بودند که زیر بار حق نمی‌رفتند، با این همه اعجاز می‌گفتند این جادوست، اینها سحر است، اینها دروغ است. پس شما فکر نکن که شما تنهایی که حالا یا خاله‌ات یا عمه‌ات یا رفیقت می‌گویند: ای بابا، بیا کنار، نه همیشه بوده اما عوضش ثواب شما زیاد می‌شود. اگر ما را توی این راه تشویق کنند، ما می‌رویم روی هوای نفس و تکبر عبادت‌هایمان هم پایمال می‌شود و می‌رود، اما وقتی توی راه ما بایستند و هی به ما نق بزنند، هی عظمت ما زیاد می‌شود.

می‌فرماید:

تکرار آیه ۷۶- چون آمد ایشان را سخن راست از جانب ما گفتند البته این سخن حق را سحری است آشکار. پس جوان‌های عزیز قرص و محکم برای خدا بیایید، برای خدا گوش کنید، برای خدا حفظ کنید، ولو اینکه همه عالم شما را انتقاد کنند شما قرص و محکم باش، خدا با ماست. این تا اینجا قرآن بود.

چندتا اخلاقیات از کتاب کافی شریف، جلد چهارم صفحه ۴:

رسول گرامی محمد بن عبدالله (ص) فرمود: درهم و دینار مردم قبل از شما را نابود کرد، هلاک کرد. همان دوتا شما را نابود می‌کند. آن کسی که در این کشور اسلامی در اداره اسلامی علیه اسلام کار می‌کند، چرا؟ به خاطر پول، به خاطر دلار! می‌گوید این درهم و دینار قبل از شما را نابود کرد، شما را هم همین‌ها نابود می‌کند.

در صورتی که درهم و دلار هیچ ضرری ندارد. شما از راه تمیز پول دربیاور، الان این همه حوزه‌های علمیه در این مملکت می‌چرخد، خب با پول است، اگر نباشد که نمی‌شود که! این همه مدرسه‌ها ساخته می‌شود، این همه حسینیه‌ها، این همه جلسات، خب پول هست که اینها می‌شود دیگر! منتها آن پولی که انسان از آن اولش برود از راه حلال دربیاورد، برای خدا دربیاورد، برای خدا خرج کند، می‌شود این کلاس‌ها، این مسجدها، این حسینیه‌ها، این حوزه‌ها. آنهایی هم که از راه خلاف درمی‌آورند، در راه خلاف بچاهش خرج هروئین و تریاک و این حرف‌ها می‌کند.

بعد هم بقیه‌اش را هم خودش خرج دردهای بی‌درمان می‌دهد. بقیه‌اش را هم خودش پول درد بی‌درمان می‌دهد. می‌گوید: درهم و دینار مردم قبل از شما را نابود کرد، شما را هم نابود می‌کند.

امام باقر (ع) می‌فرماید: شخص حریص به دنیا مانند کرم ابریشم است که هرچه بیشتر ابریشم دور خود بیافد، بیپچد، راه خروج خود را می‌بندد و همان داخل از غصه و غم می‌میرد. کسانی که فقط هدفشان توی این دنیا درآوردن پول باشد، از هرراهی که می‌خواهد باشد، بخورند و شهوترانی کنند و بروند توالی، اینها هم می‌فرمایند ارزششان به اندازه همانی است که از ماتحتشان درمی‌آید. کسانی که فقط هدفشان پول است، از هرجا باشد، بخورد، بخوابد، شهوترانی کند، برود توالی. می‌فرماید: ارزش او همانی است که از ماتحتش می‌آید بیرون. می‌دانی چرا؟

امام چهارم (ع) می‌فرماید: خدایا تن مرا سالم بدار، تا زمانی که فرمان‌بردار تو باشد، هرزمانی که این تن من نفس من خواست فرمان‌بر شیطان و نفس باشد، خدا مرا بمیران. می‌گویند خدایا، به من سلامت بده، توان بده، جان بده، عبادت کنم کار خوب کنم. اما اگر این تن من، نفس من می‌خواهد چراگاه شیطان بشود، خانه شیطان و خلاف بشود، مرا بمیران. چون ما بعد از مرگ می‌فهمیم که آن‌ور چه خبر است. اینجا همه را همین‌طوری رد می‌کنیم می‌رود! می‌فرماید کسانی که حریص‌اند دور خودشان فقط بلا می‌ریزند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: بی‌نیازترین مردمان کسی است که گرفتار حرص نباشد.

و نیز فرمود: دل‌های خود را به آنچه از دست رفته نبندید که افکارتان را از آمدن آن چیزی که برایتان خوب است باز می‌دارید.

من بارها گفتم می‌بینی که نود رقم آن چیزی را که می‌خواهد دارد، صد رقم دارد. خودش و زندگی‌اش و همه وجودش را فدای آن دو رقمی می‌کند که ندارد. بابا تو تن سالم داری، زنت سالمه، خودت سالمی، الحمدالله. یک اتاق داری تویش بخوابی، الحمدالله. می‌فرماید: تو خودت را فدای آن چیزی می‌کنی که از دست رفته، یا نداری. در صورتی که از بعدی‌اش هم می‌مانی! من بارها گفته‌ام، انسان وقتی که فکرش آرام باشد، حواسش جمع باشد می‌تواند به خواسته‌هایش برسد، اما غصه می‌خورد که چرا من این را ندارم، چرا آن را ندارم؟ بابا آن چیزی را که داری حساب کن.

گفته‌ام من برایتان:

طرف آمد پیش امام صادق (ع) دم از فقر بزند، به من کمک کنید. آقا (ع) فرمود که آمدی شکایت خدا را به بنده خدا بکنی؟ گفت: آقا یعنی چه؟ گفت: خب تو بنده خدایی، من هم بنده خدایم. تو آمدی شکایت خدا را بکنی که من ندارم فقیرم. تو داری شکایت خدا را به من کنی. بعد آقا (ع) فرمود: دوتا چشم داری دومیلیون می‌دهی؟ گفت: نه! گفت: دوتا گوش داری دومیلیون می‌دهی؟ نه! دست داری... همین‌طوری گفت، گفت: خیلی خب! همین‌طوری. از این بهتر اینکه تو ولایت داری. از آن بهتر تو صفت قناعت داری. چرا آبروی خودت را می‌ریزی؟ لذا این است که می‌فرماید: وقتی یک چیزی از دستت رفت، بگو الحمدالله ولی آماده حرکت باش برای بعدش.

از امام چهارم (ع) پرسیدند: بهترین کردارها در نزد خداوند چیست؟ فرمود:

۱ - کرداری بهتر از شناخت خداوند عزوجل نیست. اول خدا را ببین.

۲ - شناخت پیغمبر (ص).

۳ - بعد از آن فرار کنی از حرص. اول خدا را بشناس، این بهترین عبادت است. دوم پیغمبرش را، سوم از حرص فرار کن.

ببین، یک کسی توی دریاست، با کشتی دارد می‌رود، یا با قایق دارد می‌رود آب خوردن ندارد. بعد این آقا اگر یک لیوان آب باشد بخورد سیر می‌شود. اما نیست، آب دریا هم شور است. این لیوانش را می‌زند توی دریا، یک لیوان می‌خورد. حالا تشنگی‌اش بیشتر می‌شود. دوتا لیوان می‌خورد، تشنگی‌اش بیشتر می‌شود. این قدر می‌خورد تا می‌ترسد و می‌میرد، اما تشنگی‌اش برطرف نمی‌شود. وقتی انسان به دنبال حرص برود و سیر نشود، می‌فرماید تو نمی‌توانی آرام باشی.

زیرا این حرص شعبه‌ها دارد و گناه‌ها می‌آورد:

۱) پس اول چیزی که به وسیله همین حرص و غیروذالک آمد آن بود که **شیطان نافرمانی خدا را کرد، تکبر کرد،** به او گفتند: سجده کن. گفت: مثلاً من از نورم او از ظلمت است، سجده نکرد. تکبر آمد و شیطان نابود شد. شیطان شش‌هزار سال خدا را عبادت کرده، دو رکعت نمازش چهارهزار سال طول کشیده. خدا نمی‌خواهد آبروی کسی را در قرآن ببرد. می‌خواهد بگوید به عبادت‌هایتان ننازید، به اخلاص‌هایتان بنازید. کار برای خدا باشد. وقتی کار برای خدا بود، انسان دیگر منت سر کسی نمی‌گذارد که!

۲) **نافرمانی آدم و حوا بود** که خدا فرمود در بهشت همه چیز بخورید ولی سراغ این درخت نروید. امر است، اطاعت باید بشود. رفتند و حرص بود، نابودشان کرد.

۳) **حسد، حسادت آمد قابیل دادشش را کشت.** در صورتی که هابیل به او گفت برادر، من هم می‌توانم تو را بزنم بکشم، اما اگر این کار را بکنم، من هم مثل تو گنه‌کارم. من هم مثل تو نافرمانم. برادرش را نصیحت کرد. اما وقتی که حسادت بیاید، دیگر حیاء و همه‌چیز می‌رود.

اینجا که امام (ع) می‌فرماید: تن مرا تا جایی که برای خدا کار می‌کند حفظش دار، آنجا که چراگاه شیطان شود مرا بمیران. می‌خواهد بگوید بابا جان، این دوستی‌ها... به شما بگویم هر دوستی لازم است.

ببیند چندتا دوستی است که ما را نابود می‌کند:

۱ - **دوستی زنان،** اگر مرد بخواهد زنش را دوست نداشته باشد نمی‌شود، یا زن بخواهد شوهرش را دوست نداشته باشد. اما اینها باید هم‌هانش در مسیر خدا باشد. مرد زنش را دوست داشته باشد در راه خدا. زن مردش را دوست داشته باشد در راه خدا. زن و شوهر بچه را دوست داشته باشند در مسیر خدا.

۲- دوستی دنیا، چه اشکال داره؟

به علی بن ابیطالب (ع) گفتند که شما دنیا را بیشتر دوست داری یا آخرت را؟ فرمود: یک ساعت دنیا را به هزار سال آخرت نمی‌دهم. چرا؟ فرمود: یک ساعت می‌توانم در دنیا کاری کنم که هزاران سال در آخرت بهره‌وری کنم. پس دوستی دنیا بد نیست. الان امام (ع) دارد دعا می‌کند. الان امام چهارم (ع) داشت می‌گفت: تن مرا سالم بدار تا آنجایی که دارم برای تو کار می‌کنم. وقتی که دنبال هوای نفس و کثافت رفتم مرا بمیران. دوستی دنیا چه اشکال دارد؟ کار کن، حرکت کن.

۳- دوستی ریاست، در کافی شریف امام ششم (ع) سه تا لعنت کرده‌اند: کسی که دنبال ریاست برود، فکر ریاست کند، ریاست را به خود ببندد. اما این آقا خودش را مسئول بداند. خدایا، این مسئولیت را به من دادی توان هم بده، عقل هم بده، درک هم بده، من به ملت خدمت کنم. هر روزش هزار سال در آخرت بهشت به او می‌دهند. چون ارزش کارها به اندازه زحمت و جمعیتش است. دوستی دنیا چه اشکال دارد اگر برای خدا باشد؟ دوستی ریاست چه اشکال دارد اگر برای خدا باشد؟

۴- دوستی راحتی، خانه‌اش این بغل است پا نمی‌شود بیاید توی این جلسات بنشینند! نابود می‌شود.

۵- دوستی سخنوری. چه اشکالی دارد برای خدا صحبت کردن؟ چه اشکالی دارد؟ آنجا که می‌خواهی روی هوای نفس صحبت کنی، آنجا که می‌خواهی آبروی کسی را بریزی صحبت نکن. آنجا که می‌خواهی غیبت کسی را بکنی جلوی خودت را بگیر. دوستی سخنوری وقتی برای خدا باشد چه اشکالی دارد؟

طرف آمد پیش امام صادق (ع)، آقا (ع) فرمود: فلانی تو هیچ کجا حرف نزن. گفت: چشم. یکی دیگر همان موقع آمد. آقا (ع) فرمود: فلانی تو هر جا رفتی شروع کن به حرف زدن. یک عده بودند سوال می‌کردند که فلسفه‌اش چیه که بنویسند برای بعدی‌ها. آقا چرا به آن فرمودی تو هر کجا رفتی حرف نزن، به این فرمودی هر جا می‌روی حرف بزن؟ فرمود: آن بنده خدا وقتی که می‌خواهد حرف بزند، جز شر به پا کردن کاری نمی‌تواند بکند. شر به پا می‌کند، غیبت می‌کند، آبروی کسی را می‌ریزد. این آقا حرف بزند، احکام می‌گوید، اخلاق می‌گوید، مردم را دانا می‌کند. این باید همه جا حرف بزند، آن باید هیچ جا حرف نزند.

۶- دوستی برتری، چه اشکالی دارد انسان در عبادت از خدا بخواهد که خدا من را از همه بالاتر کن؟ حدیث هم داریم. اما در این ادارات همه ظلمی می‌کنند که این آن را از کار بیندازد خودش جایش باشد. این آن را از کار بیندازد خودش جایش باشد. دوستی برتری: خدایا، به من توفیق بده که بهترین کار خوب را من بکنم. حدیث داریم اصلاً که از خدا بخواه که آن بهتر بهره شما باشی.

۷- **دوستی ثروت**، آن ثروتی که شما جوان‌های عزیز از آن وقتی که شروع می‌کنید برای خدا شروع کنید. می‌خواهی مخترع بشوی، دکتر بشوی، هرچیز می‌خواهی بشوی، برای خدا باشد که پول دریاوری، به ملت خدمت کنی، به مردم کمک کنی در راه خدا خرج کنی، این چه اشکالی دارد؟ آن بد است که از همان روز اول نقشه می‌کشد که چه درسی را بخوانم که این خوب پول داشته باشد. خوب پول دریاورد، برویم آمریکا اروپا خرج کنیم. دوستی ثروت اینجاست که انسان را بدبخت می‌کند.

اینها خصلت‌های بد است که انسان به وسیله اینها در دنیا ظالم می‌شود و در آخرت اهل جهنم می‌شود. لذا چون پیغمبرها (ع) دیدند یک همچین چیزی را فرمودند دنیا سرمنشأ تمام گناه‌هاست، دوستی دنیا اگر در راه خدا نباشد. اما اگر در مسیر خدا باشد، بهترین چیز است.

بعد امام (ع) فرمود: دنیا دو گونه است، دنیای بلاغ یعنی دنیای خوب که به مقدار ضرورت از راه حلال درمی‌آوری، در راه حلال خرج می‌کنی که این بهترین دنیاست، و **دنیای ملعون** که در هرراهی قدم می‌گذاری که از هرکاری شده پول دریاوری. دنیایی که پاک و حلال است، چه اشکالی دارد؟ خیلی هم خوب است. اما آن دنیایی که تو از اولش برای خلاف شروع می‌کنی، آن دنیا تو را نابود می‌کند.

این حدیثی که الان می‌خوانم از آن نفر اول رؤسای مملکتی تا آن نفر آخر، من و شما این حدیث شامل حالشان است: **رسول الله (ص) فرمود:** آگاه باشید که همه شما تا حدودی فرمانروا و نگهبان هستید و در مورد فرمان‌برداران خویش فردای قیامت مسئولید و مواخذه می‌شوید. زمامداران کشور، فرمانروایان جامعه هستند. هرکس به اندازه مقامش، اینها تمام مسئول‌اند.

هارون الرشید رفت دیوانه‌خانه یک تماشایی کند، یک گردشی کند. دید یک جوانی خیلی موقر و زیبا آنجا ایستاده. گفت: این به تیپش نمی‌خورد دیوانه باشد. آمد پیشش سلام کرد. آن هم سلام کرد گفت: چطوری؟ گفت: خیلی خوبم. هارون دید خیلی هم مؤدب صحبت می‌کند. گفت: من را می‌شناسی؟ گفت: چطور نمی‌شناسم؟ کسی هستی که در همه دنیا هرکس گناه کند، یک سرش مال توست. آخر آن موقع پنجاه‌وشش هفت کشور اسلامی یک کشور بود. رئیسش هم هارون بود. جوان گفت: چطور من شما را نمی‌شناسم؟ تو کسی هستی که هرکجای دنیا ظلمی بشود، گناهی بشود، یک سرش توی جیب تو است. هارون گفت: عجب چیزی این گفت!

بعد برای هارون شراب آوردند، رو کرد به این گفت: می‌خوری؟ گفت: نه قربان، شما می‌خواهی بخوری که دیوانه بشوی، من که دیوانه هستم! گفت: تو می‌خواهی بخوری که دیوانه شوی. من هستم دیگر بخورم که چه کار کنم؟ ببین چه حرف‌هایی خدا می‌آورد وسط! گفت: شراب می‌خوری بگویم برایت بیاورند، گفت نه شما می‌خوری که دیوانه شوی، من هستم دیگر. بخورم که چه کار کنم؟ هارون خیلی خوشش آمد، گفت: چه حرف‌های خوبی می‌زند. گفت: یادت باشد من رفتم سفارش کنم شما را آزاد کنند، شما دیوانه نیستی شما عاقلی. یک خرده دیگر که باز با هم صحبت کردند، وقتی که هارون خواست برود یک مشت محکم کوبید توی کمر هارون، گفت: یادت نره آنجا می‌خواهی سفارش

کمی که ما را آزاد کنند. هارون دید نه این دیوانه است، خدا گذاشته توی مغزش. گفت که چطور نمی‌شناسم کسی را که سراسر دنیا هرکس گناه می‌کند یک سرش توی جیب تو است.

اینجا رسول الله (ص) می‌فرماید: زمامداران کشور فرمانروایان جامعه هستند و در برابر آن مسئول‌اند و مواخذه می‌شوند. یک صدویست و چهار هزار پیغمبر (ع) آمدند که به مردم بگویند که بابا شما آدمید. باید مطیع قانون انسانیت باشید. یک عده هم راه افتادند فقط آزادی بدهند به جوان‌ها، برو شراب بخور، برو قمار کن، بزن برقص. این نیست برادر من. ما به عنوان یک پدر دلسوز به شما می‌گوییم.

الآن ماه مبارک رمضان است. این کانال‌ها شب‌ها تا نصف شب بزن برقص و اینها اصلاً شب‌های به این خوبی را از مردم گرفته‌اند. بزن و برقص این حرف‌ها. بعد هم پس‌فردا به آنها خرس بلوری می‌دهند، سگ بلوری به آنها می‌دهند. ماه رمضان است. طرف باید برود مسجد بنشیند عبادت کند باید در خانه‌اش بنشیند دو رکعت نماز بخواند، استغفار کند. همین‌طور یک مشت رقص و مطرب را ریختید، مگر می‌توانید جواب بدهید؟ مگر می‌توانید؟ در همین تهران خودمان چقدرها هستند والله سحری ندارند بخورند، به خدا نان و خرما برای افطار ندارند بخورند. یک همچین پول‌هایی توی این قرتی‌بازی‌ها.

می‌فرماید: زمامداران کشور فرمانروایان جامعه هستند و در برابر آن هم مسئول‌اند، مواخذه می‌شوند و مردان که رئیس خانواده هستند، فرمانروایان زن و فرزند خویش هستند و اینها فردا مواخذه می‌شوند.

رسول الله (ص) می‌فرماید: در قیامت می‌بینی مرد به خاطر یک گناهی که کرده که زنش خوشحال باشد، صد سال است زنش توی بهشت دارد می‌خرامد، این دارد توی جهنم در آتش می‌سوزد. اینجا می‌فرماید: به خاطر اینکه می‌خواهد زنش را از این موضوع خوشحال کند یک گناه می‌کند، صد سال این در جهنم است آن در بهشت است.

می‌فرماید مرد که رئیس خانواده است، فرمانروای زن و فرزند خویش است و **زن بر کودک خود فرمانروا و نگهبان و حاکم است و همه شما در مورد فرمان‌برداران خود مواخذه می‌شوید، مسئولید.** این مال رسول الله (ص)، آن هم مال قرآن:

سوره نساء آیه ۹۸- همه‌تان در دینتان مسئولید. ما هرچه می‌گوییم از قرآن می‌گوییم و از کتاب‌های معتبر که کسی نتواند نق بزند. قرآن سوره نساء آیه ۹۸ می‌فرماید: همه شما در دینتان مسئولید.

رسول الله محمد بن عبدالله (ص) می‌فرماید: من یک مسئولیت دارم شما دوتا، من مسئولم که احکام خدا را به شما برسانم، شما مسئولید هم احکام خدا را به هم برسانید هم سنت مرا. مگر شوخی است؟ تازه با این کارهایی که پیغمبرها کردند یک دانه نفس به غیر رضای خدا نکشیدند، شب صورتش را روی خاک می‌گذارد گریه می‌کند.

پیغمبر ما (ص) که خاتم پیغمبرهاست، صورتش را می‌گذارد روی خاک گریه می‌کند. ام‌السلمه می‌گوید: آدمم بیرون دیدم که راست‌راستی رسول‌الله (ص) صورتش روی خاک است چه جور دارد گریه می‌کند. می‌گوید یک خرده گریه کردم، بعد گفتم آقا شما می‌دید؟ گفت: بله منم! شما که کلید بهشت و جهنم در دست است. چرا این‌طور می‌کنید؟ فرمود: مگر ندیدی که "یک آن" برادرم یونس را خدا به خودش وا گذاشت، راه جهنم را پیش گرفت؟ کسانی که در این مملکت یک کاری دستتان است، دائم به خدا پناه ببرید، دائم در خانه خدا را بزنید، دائم در خانه امام زمان (عج) را بزنید، یک "آن" ولتان نکنند، تکبر نگیردتان.

امام صادق (ع) با اصحاب آمد زیر ناودان طلا در مکه سرش و دست‌ها را را بلند کرد، گفت: خدایا، تو را قسم می‌دهم به حق پنج تن آل عبا یک "آن" مرا به خودم وانگذار. این را گفت و زارزار گریه کرد. اصحاب ماندند! آقا (ع) فرمود: شما چرا تعجب می‌کنید؟ مگر ندیدید خدا "یک آن" یوسف را به خودش گذاشت پناه به شراب‌ریز سلطان برد. بله به خدا پناه... با ظلم موافق نباشید.

خدا می‌فرماید حدیث قدسی است، زیر ناودان طلا در مکه می‌گویند کسی آنجا دو رکعت نماز بخواند هر رکعتش ثواب دوهزاروپانصد یا دویست‌وپنجاهزار رکعت نماز است. اما خدا می‌فرماید در اینجا کسی این قدر نماز بخواند که بدنش مثل ترکه لاغر بشود و کمرش مثل کمان خم شود و به اندازه خردلی با ظالم موافق باشد و رفیق باشد، ظالم را دوست داشته باشد با صورت می‌برمش جهنم. کسانی که باید از احکام خدا بگویند، نمی‌گویند ظالم‌اند. کسانی که جلوی احکام خدا را می‌گیرند ظالم اندر ظالم‌اند. آنهایی که دوستشان دارند ظالم اندر ظالم اندر ظالم‌اند! این حرف‌ها نیست که! این حرف‌ها نیست که! می‌فرماید که به اندازه خردلی تو ظالم را دوست داشته باشی...

صفوان جمال یکی از نزدیکان هارون بود که در زمان امام صادق (ع) شتردار بود، شترهای زیادی داشت. این شترهایش را اجاره داد به هارون که می‌خواست برود مکه و برگردد یک مسافرتی برود. امام صادق (ع) به او گفت: صفوان تو اهل جهنمی‌ها! گفت: چرا؟ گفت: شما شترهایت را اجاره دادی به هارون. گفت: آقا من کارم شترداری است. اجاره دادم، کرایه‌اش را می‌گیرم. فرمود: تو راضی هستی هارون زنده برود زنده برگردد که تو پول‌هایت را بگیری؟ گفت: آره! گفت: همین قدر ظالمی. صفوان هم خب دانا بود، رفت شترها را یک‌جا فروخت. هارون به او گفت که چرا این کار را کردی؟ گفت: دیگر من پیرمردم و صلاح نبود. گفت: نه مال پیری‌ات نیست، امام صادق (ع) به تو چیزی گفته. اگر دوست نمی‌داشتی، همین گردنت را می‌زدی.

به شما بگویم دنیا به این شلی‌ها نیست که هرکس بیاید چهار روزی هرکار خواست بکند و بعد هم برود فی سبیل‌الله بهشت! نه والله! جز جهنم جایی ندارند! چه آنهایی که نمی‌گویند احکام را، چه آنهایی که جلوی احکام را می‌گیرند، چه آنهایی که آنها را دوست دارند. با ظالم رفیق نباشید. آگاه باشید که همه‌تان مسئولید. مردم نمی‌دانند، باید به همدیگر بگویند. مؤاخذه می‌شوی.

آن هم مال قرآن، سوره نساء آیه ۹۸ می‌گوید: همه‌تان در دینتان مسئولید، مگر بچه‌های خردسال یا پیرزن پیرمردها.

آنجا هم رسول الله (ص) می فرماید که من یک مسئولیت دارم شما دوتا. من مسئولم که احکام را برسانم، شما هم مسئولید هم احکام بگوئید هم سنت من را.

حالا آنهایی که نمی گویند، "ای بابا!" می کنند، ببین قرآن چه به آنها می گوید. من هرچه می گویم از قرآن است، متکبران، پرروها، کله شقها! ببین قرآن چه می گوید، برای متکبران:

سوره انعام آیه ۹۳- چون روز قیامت شود از طرف خدای متعال خطاب رسد به متکبران، امروز برای کیفر رفتار و گفتارتان عذاب خوارکننده می کشید. چون بر خدا سخن های ناحق و ناروا گفتید.

می گوید وظیفه دارید امر را به مردم برسانید، اصلاً گفته خدا و چهارده معصوم (ع) زیباست. ببینید شما این همه ماشاءالله جمعیت جوان یک ساعت و یک ربع، یک ساعت و نیم کم و زیاد من حرف می زنم. یک دانه پلک، چرت، توی کسی نمی بینم، همه با لذت. چرا؟ سخن خدا خوشمزه است، سخن انبیاء (ع) خوشمزه است. تو خودت قبول نداری نمی گویی. تاثیر هم ندارد نه به خودت نه به دیگران.

می گوید جایگاه متکبران که سعی می کنند که از قرآن و سنت نگویند، جایگاهشان آنجا جز بدبختی چیزی نیست. و از حکم آیات گردن کشی می کنند و تکبر می کنند. آیه قرآن است ها.

باز سوره زمر آیه ۷۲- پس بد منزلگاهی است جایگاه متکبران، قرآن دارد صحبت می کند.

سوره مومن آیه ۳۵- خدا بر دل متکبران ستمکار مهر می زند، چون با سعادت خود دشمنی کردند. خدا با کسی شوخی ندارد. بهترین لطف خدا آن آیات شدیدالحنش است. چون بهشت سر جایش است، جایی نمی رود. همیشه ما باید کاری بکنیم بهشت را از دست ندهیم، بهشت سالم است. اینکه خدا می فرماید من عذابی می کنم در جهنم که در دنیا هیچ کس نمی تواند آن عذاب را بکند، این بهترین لطف و رحمت خداست. چون می خواهد بگوید برادر آنجا شوخی نیست! شما می خواهی بروی مسافرت هرکی می خواهی باشی، باید گذرنامه داشته باشی، آنجا گذرنامه را نگاه می کنند، می افتی در جهنم.

بعد اینجا رسول خدا محمد بن عبدالله (ص) می فرماید: با چیزی بهتر از عقل نمی توان به خدا و کمال و انسانیت رسید. گوش کنید. با چیزی بهتر از عقل نمی توان به خدا و کمال و انسانیت رسید. تا مومن ده تا صفت نداشته باشد، عقلش کامل نیست:

۱ - مردم به خیرش امیدوار باشند، در محلهات، ادارات، هر جا هستی، یک طوری باش که مردم یادت را می کنند، خوشحال بشوند، امیدوار بشوند.

۲- **مردم از شرش در امان باشند.** یک طوری زیست بکنید که هیچ کس فکر نکند که از شما به او اذیت برسد.

۳- **کار نیک دیگران را زیاد شمارد، گرچه کم باشد.** یک کسی کوچک ترین کاری برایت کرد دائم از او تشکر کن. زیاد بشمار، کار نیک دیگران را زیاد شمارد گرچه کم باشد.

۴- **کار نیک خود را کم شمارد گرچه زیاد باشد.** همیشه کار خودت را هیچ بدان. والله هیچ هم هست. مگر ما هیچ بدانیم تا برویم توی بهشت آن وقت آنجا می گوئیم الحمدلله. وگرنه هیچ است.

پیغمبر (ص) نشسته بود (همین الآن آخر این حدیثها همین هم هست). یک نفر وارد مسجد شد، آقا (ص) فرمود: این اهل بهشت بود که رفت توی مسجد. نفر بعدی آمد آقا (ص) فرمود: این اهل جهنم بود که رفت توی مسجد. نیم ساعت بعد اولی را رسول الله (ص) فرمود: این اهل جهنم است که دارد می رود. دومی را فرمود این اهل بهشت است. گفتند آقا شما همین الآن این را گفتی اهل بهشت. حالا شد اهل جهنم؟ فرمود: بله، رفت توی مسجد این قدر برای خدا الدرم بلدُرم کرد و ما این قدر نماز خواندیم، این قدر عبادت کردیم، فلان کردیم، حالا می خواهی به ما چه بدهی؟ خودش را جهنمی کرد.

می گویند یک ملایی این بنده خدا همیشه توی خانه می گفت: خدایا، با من با عدالت رفتار کن، چون خیلی عبادت می کرد. می گفت: خدایا، با عدالتت با من رفتار کن. یعنی تو باید مزد کار ما را بدهی. یک شب در خواب دید که صحرای جهنم است و یکی یکی اینها را به نام به طرف جهنم می برند. این را صدا کردند. چیه؟ گفتند: ما این چوب به این بلندی را می خواهیم بکنیم در شکم تو بلندت کنیم، این طوری این طوری ات کنیم. چرا؟ گفت: تو بچه بودی مگسها را می گرفتی، چوب می کردی در شکمشان همچنین همچنین می کردی. حالا خودت می گویی: خدایا، با ما با عدالت رفتار کن، حالا ما هم فعلاً می خواهیم این چوب را بکنیم توی شکم تو، بلندت کنیم روی هوا، همچین همچینت کنیم. گفت: خدایا، غلط کردم. به فضل و کرمت با ما را رفتار کن. دیگر بعداً مرتب در قنوت می گفت: خدایا، با فضل و کرمت... هیچ چیز هم نیستیم ما!

کار نیک خود را کوچک شمار، گرچه زیاد باشد. آن خداست که حالا به ما خوب مزد می دهد. وگرنه حضرت عباسی وقتی می گویی الله اکبر بهترین عبادتت نماز است دیگر، ببین چقدر توی نمازی؟ ببین چقدر توی نمازی، بعد هم از صبح تا شب ببین چقدر نماز حفظت می کند. صبح که می گویی الله اکبر نماز صبح می خوانی تا نماز ظهر، پنج شش ساعت وسطش فاصله است. ببین در این پنج شش ساعت چقدر فکر خدا هستی؟ ببین در این پنج شش ساعت چقدر چشمت گناه می کند؟ گوشت گناه می کند؟ زبانت گناه می کند؟ لذا هیچ چیز نیست. اما اگر کم بشماریم هیچ چیز قبول نکنیم... گناه کاره را آقا (ص) فرمود: این اهل بهشت است. گفتند آقا این گناه کار است. آقا (ص) فرمود: این آن قدر در خانه خدا زد، گفت: خدایا، من بیچاره ام، دست من را بگیر، من ذلیل خود را بهشتی کرد. چهار کار نیک خود را کم شمار گرچه زیاد باشد.

۵- در همه عمر از تحصیل علم خسته نشود. جوان‌ها، چهار هفته، چهل هفته آمدی دیگر نگو بس است! نه، بیا! اصلاً وجود ما تکراری است. وجود ما تکراری است! بین نماز که از همه چیز برای ما واجب‌تر است، در روز ده بار باید بگوییم "ایک نعبد و ایک نستعین اهدنا الصراط المستقیم". چرا؟ وجود ما تکراری است. صبح می‌خوری، ساعت ده می‌خوری، ظهر می‌خوری، عصر می‌خوری، شب می‌خوری. وجود ما تکراری است. از تحصیل علم خسته نمی‌شود مومن.

۶- از انجام حوائج مراجعین به ستوه نیاید. اگر حالا خدا به تو مقام و پستی داد، در این ادارات به تو رجوع می‌کنند خوشحال باش. هر یکی را که خوب راه می‌اندازی، دنیا و آخرت خودت را به خیر می‌کنی.

۷- گمنامی و خاملی را بیش از شهرت دوست داشته باشد. یعنی دوست نداشته باشد که معروف بشود. همیشه دوست داشته باشد که فقط خدا این را دوست داشته باشد. بسش است.

۸- فقر در نظرش محبوب‌تر از ثروت باشد. نمی‌خواهد بگوید برادر ثروت نداشته باش. یادت نرود ها! کار کن، حرکت کن، درس بخوان، کوشش کن، پول درآور. از راه خدا دربیاور، در راه خدا مصرف کن. اینجا که می‌فرماید که فقر در نظرش محبوب‌تر از ثروت باشد. یعنی به خاطر ثروت دست به دزدی نمی‌زند، مال مردم را نمی‌خورد، حق الناس نمی‌کند.

۹- از دنیا به یک قوت و غذا اکتفا کند. مهمانی می‌خواهی بروی، یک رقم غذا بردار بخور. حالا سر سفره ده رقم است، باشد. مهمان می‌خواهد بیاید خانه‌ات، یک رقم غذا درست کن. از دنیا با یک رقم غذا بساز. بعد این همیشه است:

۱۰- دهم که حائز اهمیت بسیاری است، اینکه هرکس را که می‌بیند بگوید این از من بهتر است. مومن عاقل هرکس را می‌بیند می‌گوید این از من بهتر است. چرا؟ آقا رسول الله (ص) می‌فرماید، می‌فرماید: این آقا دو حالت بیشتر ندارد، یا آدم خوبی است. خب تو تواضع کن، دنبالش برو. یا آدم خوبی نیست، بگو ان شاء الله این ظاهرش بد است، ان شاء الله باطنش خوب است. یا ان شاء الله عاقبت به خیر می‌شود.

بعد آقا (ص) می‌فرماید: چه بسا خوبانی که در اثر عجب و تکبر جهنمی شدند و چه بسا بدانی که در اثر تواضع و دعا و مناجات بهشتی شدند. من بارها گفته‌ام به شما، من الآن سی سال است که در این جلسه صحبت می‌کنم، همه هم رفقای ما جوان‌اند دیگر، برای یک بار هم نشده من توی مغزم بیاید که من فکر کنم که مثلاً یکی از شما از من پست‌ترید، یا من از یکی از شما بیشتر می‌فهمم. هنوز والله نیامده توی مغزم. چرا؟

خدا به موسی (ع) فرمود: یا موسی، می آیی کوه طور یکی از خودت پست تر را با خودت بیاور. موسی (ع) هرکسی را نگاه کرد در آدم‌ها، دید نه نمی‌تواند بگوید این از من پست تر است. داشت می‌رفت دید یک سگ گری پشم‌وپیلی‌اش ریخته و خیلی هم زشت است. گفت خب این را با خودمان می‌بریم بالاخره. سگه را با خودش راه انداخت و رسیدند لب یک رودخانه آب، تا موسی آمد عبایش را جمع کند و ببرد آن‌ور دید که سگه پریده آن‌ور و منتظر موسی است. بیا!

موسی (ع) گفت: بابا تو از ما زنگ‌تری، بیا برو! رفت! خودش رفت. خدا فرمود: چرا نیوردی؟ گفت: خدا هرچه گشتم از خودم پست‌تر کسی را ندیدم. فرمود: به عزت و جلالم اگر می‌آوردی از مقام و درجه پیغمبری‌ات کم می‌کردم.

چون گفتم همین موسایی (ع) که سی‌وچند متر قدش بود، داشت می‌رفت دید یکی از این سوسک‌ها، سوسک‌هایی هست پوست‌های کلفتی دارند و شش تا پا. آن‌هم داشت می‌رفت. موسی (ع) به خدا گفت: خدایا، این را برای چه خلق کردی؟ چون خودش ماشاءالله به آن یلی، به آن زیبایی، فلان، سوسکه شش پا توی این خاک‌ها. خدا فرمود: یا موسی، به جاه و جلالم قسم، همین الان این سوسکه داشت به من می‌گفت من تو را برای چه خلق کردم؟ موسی (ع) خب به خودش دید ماشاءالله آن عظمت، گفت خدایا، این را برای چه خلق کردی؟ گفت همین الان این سوسکه داشت می‌گفت من تو را برای چه خلق کردم؟

لذا برادرها، اینهایی که گفتیم بالاترین و بهترین پندهای اخلاقی بود. آن هم نه از من، همه‌اش از خدا و ائمه اطهار (ع) بود. اینها را ان‌شاءالله این شب‌ها داشته باشید، در خانه خدا را بزنیم، همه همدیگر را دعا کنیم که ان‌شاءالله ماها از متکبرین و بدها نباشیم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد

پروردگارا، به خون شهداء قسمت می‌دهیم، شر اشرار را به خودشان برگردان.

اللهم صل علی محمد و آل محمد

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

آدرس هیئت متوسلین به حضرت علی اکبر (ع):

تهران، خیابان مالک‌اشتر، بین خیابان قصرالدشت و خوش، پلاک ۷۵۶

تهیه شده در سایت هیئت متوسلین به حضرت علی اکبر (ع) به آدرس www.aliakbar.ir